مشروح گزارش صعود قله ۷۱۳۴ متری لنین در قرقیزستان ــ ۱۳۹۰/۵/۱۵



لنین نام قله ای در ارتفاعات پامیر و جزء ۵ قله مرتفع آنجا است. کمونیزم، کورژنفسکایا، پوبـدا و خانتـانگیری نام ۴ قله دیگر آن منطقه است.

قله لنین در جنوب کشور قرقیزستان و در نزدیکی مرز تاجیکستان واقع شده، یخچال هـای عظـیم ایـن کـوه بسیار شهرت داشته و یکی از منابع مهم آبی آن منطقه است.

برای رسیدن به کمپ اصلی این کوه باید از مرکز این کشور یعنی بیشکک به شهر Osh سفر کرد. طول ایـن مسیر حدود ۶۰۰ کیلومتر بوده و از شهر اوش تا کمپ اصلی نیز حدود ۳۰۰ کیلومتر دیگر مسیر بـاقی مانـده که با مینی بوس حدود ۶ ساعت به طول می انجامد. بیس کمپ در ارتفاع ۳۶۵۰ متری واقع است.

تیم دو نفره ما در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۹ با سفری که از طریق سـه پـرواز در یـک روز (تهـران ـ مشـهد، مشـهد ـ بیشکک و بیشکک ـ اوش) انجام گرفت، عصر همان روز در هتلی در شهر اوش با نماینـده شـرکت هماهنـگ کننده (Pamir Expeditions) ملاقات و شب اول را در آنجا گذراندیم.



فردای آن روز با مینی بوسی به همراه یک گروه ۸ نفره تا بیس کمپ رفته، شب دوم برنامه را در آن ارتفـاع و در چادری راحت به صبح رساندیم.





روز بعد بارها را توسط قاطرها فرستاده و خودمان تا کمپ یک در ارتفاع ۴۴۵۰ متـری صـعود کـردیم. مسـیر کمپ اصلی به کمپ یک کاملاً مالرو و هموار می باشد و بدون هیچ مشکلی در زمـانی حـدود ۵ تـا ۶ سـاعت طی می شود. تنها مانع سرراه، رودخانه ای است که کمی خروشان بوده و باید به آب زد و از آن گذشت.
کمپ اول قله لنین دست کمی از بیس کمپ اصلی ندارد و تمام امکانات رفاهی یک بیس کمپ را داراست.





صبح روز بعد، بخشی از بارهایمان را به دو باربر جوان منطقه سپرده و خودمان با باری کمتر به طرف کمپ دو در ارتفاع ۵۴۴۰ متری حرکت کردیم. این مسیر نسبتاً طولانی، فنی و کمی خطرناک است. حدود ۷ ساعت طول کشید تا به کمپ دوم برسیم. بیشتر این مسیر دارای شکاف های عرضی یخچالی است که باید با احتیاط کامل از آنها عبور کرد (البته با حمایت طناب). یک شیب ۶۰ درجه ای به طول ۳۰ متر هم در مسیر بود که طناب ثابت داشت و می توان با کمک یومار از آن بالا رفت.

از کمپ یک به بعد تجهیزات صعودکننده باید کامل باشد. گرانپون، کلنگ، باطوم، طناب حمایت، یومار و ۸ فرود از الزامات این مسیر است.

کمپ دو در محلی نامناسب و در کنار شیبی سنگی و شنی و ناپایدار احداث شده است.

ناگفته نماند به دلیل عدم رعایت نکات زیست محیطی این مکان بسیار کثیف و غیربهداشتی است. گویا در دهه نود میلادی محل کمپ دو در نزدیکی یخچال بوده که بهمنی مهیب فروریخته و ۴۳ نفر را یک جا به کام خود کشیده است.









روز بعد حدود ساعت ۱۰:۰۰ صبح به طرف کمپ ۳ حرکت و ۵ ساعته به آنجا رسیدیم. چادری برپا کرده به کمپ ۲ بازگشتیم. ارتفاع کمپ ۳ ۶۱۰۰ متر می باشد. مسیر کمپ ۲ به کمپ ۳ با یک شیب تند شروع شده و بعد از آن روی یالی دیگر به شیب بلند دیگری که به نام Razdelniy مشهور است می رسد. کمپ ۳ در بالای این شیب قرار دارد.

(لازم به ذکر است در این مرحله، همنورد گرامی آقای حمید محمودی به دلیل کسالت و وقوع بیماری سرماخوردگی که از روز قبل گریبانش را گرفته بود و در آن روز به اوج خود رسیده بود، تا نزدیکی کمپ ۳ صعود کرده و به کمپ ۲ بازگشتند.)





روز بعد آقای محمودی به دلیل ادامه بیماری و نامساعد بودن وضعیت جسمیشان به اتفاق یک تیم ایرانی با نام گروه کوهنوردی آلپ تبریز به سرپرستی آقای رضا طراحی به کمپ یک بازگشته و من در همان روز با کوله ای نسبتاً سنگین به کمپ ۳ رفته و شبمانی چهارم برنامه را در آنجا گذراندم.
همان شب با تلفن ماهواره ای، از آخرین روز هوای صاف منطقه که قبلاً پیش بینی شده بود و فقط ۵ روز ادامه داشت، مطلع شدم.





صبح روز پنجم، ساعت ۲:۰۰ بامداد بیدار شده و بعد از آماده شدن در ساعت ۴:۳۰ به طرف قله حرکت کردم. ابتدای مسیر حدود ۲۰۰ متر سرازیری بود و بعد از آن شیب تندی قرار داشت که حدود ۵۰۰ متر ارتفاع می گرفت. در بالای شیب کمپ چهار قرار داشت. در ساعت ۷:۰۰ صبح به آنجا رسیدم چند چادر در آنجا برقرار بود. بعضی از تیم ها ترجیح می دهند از این کمپ به عنوان آخرین کمپ صعود خود استفاده کنند.





بلافاصله مسیر را ادامه داده بعد از حدود یک ساعت به شیب تند مشهور به Knife edge، یعنی لبه چاقو رسیدم.



۳ طول طناب ثابت بر روی این شیب نصب شده بود که با احتیاط و حمایت کلنگ عبور کرده، به بالای شیب رسیدم. از آنجا به بعد مسیر پاکوب و با شیب کمی ادامه داشت. بعد از دور زدن اولین کوه (یا برآمدگی قبل از قله اصلی) به سمت شرق (چپ) تراورس کرده، پس از ارتفاع گرفتن مجدد، به تراورسی که از بالای یخچالهای عظیم لنین می گذشت رسیدم. از گذرگاه باریک آن که نیاز به دقت و تمرکز داشت، با احتیاط عبور کردم.



بعد از آن، آخرین قسمت کوه لنین دیده شد. با نزدیک شدن به ارتفاع هفت هزار متری سرعتم کمتر شده، به آرامی ارتفاع می گرفتم. تصمیم داشتم تا ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر به صعود ادامه دهم. هنوز ساعت حدود ۱۱:۰۰ را نشان می داد. کوله و وسایل فنی اضافه را در ارتفاع ۶۹۰۰ متری گذاشته و با پرچم و بنر باشگاه و کمی تنقلات، آب، پوشاک کامل و GPS به صعود ادامه دادم.

می دانستم که فقط ۲ نفر اتریشی جلوتر از من در حال صعود قله هستند. حدود ساعت ۱۲:۰۰ ظهر آنها را در ارتفاع ۷۰۰۰ متری ملاقات کردم. بعد از کمی خوش و بش کردن به صعود ادامه دادم. قله اصلی در دوردست قرار داشت که برای رسیدن به آن باید چند قله کوچک را صعود کرد. جای پای صعودهای قبلی روی برف و پرچم های کوچک، نشان از صحیح بودن مسیر صعود بود.



ساعت ۱۳:۰۰ به وقت محلی به قله اصلی رسیدم.

قله ای زیبا و پهناور که نمای بسیار زیبایی از اطراف را به ارمغان داشت. ۱۵ دقیقه در آنجا توقف کردم و پس از عکاسی به طرف پایین بازگشتم.







اثرات ارتفاع زدگی، خستگی مفرط و کم خوابی شب های گذشته در موقع فرود کاملاً در من مستولی شده، هرچنددقیقه یک بار مرا مجبور به استراحت می کرد، به همین دلیل با سرعت کمی به طرف پایین بازگشتم. البته ناگفته نماند علاوه بر دلایل بالا، صعود انفرادی موجب شده بود تا کمی دچار توهم ذهنی و هزیان فکری شوم، به طوری که گه گاه فکر می کردم تنها نیستم و همراه چند نفر از اعضای باشگاه در حال فرود آمدن هستیم و با هم گفتگو می کنیم.

در بالای مسیر نایف ایج استراحتی کرده، بعد از تمرکز لازم مسیر خطرناک آن را با کمک کلنگ و طنابهای ثابت آنجا که زیاد هم مطمئن به نظر نمی آمد فرود آمدم. کم کم به کمپ ۴ نزدیک شدم. هوای بسیار خوب آن روز کمک شایانی به من کرد زیرا می توانستم بدون سرد شدن بدنم به تناوب استراحت کرده، تجدیدقوا نمایم.

سراشیبی بلند زیر کمپ ۴ را از میان برف ها فرود آمده و آماده شدم ۲۰۰ متر آخر را که برعکس صبح حالا به یک سربالایی تند و تیز تبدیل شده بود، صعود کنم.

حدود ساعت ۱۹:۱۵ به وقت محلی، بعد از ۱۵ ساعت تلاش در ارتفاع بالای ۶۰۰۰ متر به کمپ ۳ رسیده مورد استقبال دیگر کوهنورد ایرانی حاضر در منطقه آقای داود یاریاری قرار گرفتم. ایشان مقداری آب گرم و غذایی تهیه نموده، ساعاتی را در چادر با هم گذراندیم. همان شب خبر صعود قله را به دوستانم اعلام کردم.



فردای آن روز پس از تماس با کمپ پایین و جویا شدن از احوال آقای محمودی، وسایل کمپ ۳ را جمع آوری کرده به کمپ۲ فرود آمدم. در آنجا با جمع آوری لوازم کمپ ۲، وزن کوله ام به حدود ۳۰ کیلوگرم رسید که با پرداخت ۵۰ دلار حدود ۱۰ کیلو از بارهایمان توسط باربر به پایین حمل شد. در ساعت ۱۷:۰۰ به کمپ اول رسیدم و با استقبال اعضای تیم آلپ تبریز روبرو شده، ششمین شب برنامه را در آنجا به صبح رساندم. در این روز همان طور که پیش بینی شده بود هوا ابری و در حال تغییر و وخامت بود.

هفتمین و آخرین روز برنامه راهپیمایی مسیر جالب و زیبای کمپ یک به کمپ اصلی بود که در شرایط بارانی انجام گرفت. کلیه بارها با پرداخت هزینه (هر کیلوگرم یک دلار) توسط قاطر تا پایین حمل شد. همان شب در بیس کمپ با برگزاری جشنی، مراسم اهدای گواهینامه صعود از طرف شرکت پامیراکسپیدیشن به صعودکنندگان اجرا شد.







روز بعد حدود ساعت ۱۰:۰۰ صبح به همراه ۸ نفر با یک دستگاه ون به طرف Osh حرکت کردیم و حدود ساعت ۴:۰۰ بعدازظهر در آنجا به همنورد گرامی آقای محمودی ملحق شده، شب را در هتل اقامت کردیم. ۵ روز آینده برنامه هم به دید و بازدید از مناطق دیدنی شهرهای اوش و بیشکک و بهره مند شدن از جاذبه های تاریخی و ساحتی کشور قرقیزستان سپری شد.

روز یکشنبه ۲۳ مرداد ماه ۱۳۹۰ ساعت ۶:۰۰ عصر به وقت تهران، با استقبال چند تن از اعضای باشگاه، دوستان و خانواده ها وارد فرودگاه مهرآباد شدیم.



توضیحات لازم:

۱- این برنامه به سبک اصطلاحاً بدون هم هوایی صورت گرفت که همنوردان باید توجه داشته باشند چنانچه قصد اجرای این سبک برنامه را دارند باید تمرینات ویژه و آمادگی کافی را به دست آوردند.

۲- با تماس مستقیم تلفن ماهواره ای با ایران چگونگی وضعیت هوا را روزانه به ما اعلام می کردند.

۳- صعود انفرادی که در ۳ روز آخر این برنامه صورت گرفت نیاز به تمرین قبلی و آمادگی ذهنی، روحی و جسمی دارد.

۴- از کلیه دوستانی که ما را در این برنامه یاری دادند کمال تشکر و قدردانی را دارم به ویژه:

- جناب آقای حمید محمودی دیگر همنورد این تیم که با از خودگذشتگی زمینه اجرای سرعتی این برنامه را فراهم آوردند.
- جناب آقای توحید نوروزی که با اعلام اخبار روزانه هواشناسی به تیم و همچنین با قراردادن اخبار صعود در سایت رسمی باشگاه کمک شایانی به اجرای خوب این برنامه داشتند.
- سرکار خانم ساقی محمودی که در تهیه تدارکات برنامه ما را یاری دادند.
- جناب آقای غلامرضا خلیل آبادی و سرکار خانم زینب داداشی که در زمان غیبت اینجانب مسئولیت باشگاه اسپیلت را بر عهده داشتند.
- و کلیه اعضای باشگاه و دوستان و خانواده های اینجانب و آقای محمودی که در مراسم بدرقه و استقبال حضور بهمرساندند و یا با ارسال پیام و تبریک ما را به اجرای این برنامه تشویق و به ادامه این گونه صعودها دلگرم نمودند.



گزارش از: ذ. حمیدی

۱۳۹۰/۷/۱۹

پی نوشت:

کلیه عکس های این گزارش منطبق با صعود روزانه می باشد.